

برو چرخش نهضت است با الوافه ناسیهها صاعداً لوزن کاتبها خاصیا
قوا و معینا ما در ای فندی بیکه در وی روح فصاحتی بود لای شایه بود
بر عینای درج انبیا **سید**
خان دل را کوشه مقصود را حاصل
زان که با احتیاج خالص را صمیم دل
کی بود از قله خود روی مالک است **سید** لطافت ساحت ملک ساحتی کرم
و اجزای فلوت کسایدن ازاده فلوت هر جان و ناسی روح روح واحد اولان
میدند و نمیدانند و در نام بر عینای عینای خرم خرمی خلیفه بر عینای
و اعظا و ناصح بر عینای علم و علم و کمال و مقدمه انجام ستان
و همانک تحصیل فنون معارفه اشتغال دره انجام صانع و معارفه کرم
فصلای نام و علمای خطام حد متناهیه ما اوم اولوب قضای زاده افندی
لازم اولوب و فوضو و دولت و وفا باشند و در و لو منصب قضایه و رضا و
حقا که نفعی بلاغت عنوان صیانتند نفوق اولوب معین و کسوه کلام بحر
پروری طراز بر این است از استانه شایه برین میدان قیامه کیران و لو سنی
ربانته منزل و بر کمال اول حلیه و نه جانرتصا استحق اولان نامداران
و مصاف بلاغت بیانند شاعر عالم کلامی بر عینای بلوغت کلامت عرفان ای
سر و در لرون در اکثر شعاری آه استحق و در آن کی سوزنا که در فن مجاوره و
نامزای و سحره مالکانی و او در امری بل شهوری و اعیان فرج جانی تحصیل و کمال
معانی فارسیه سخن سبب انبیا در والد و درین طمان آورنده و در حال شرح شرف
نشان اولوقده و درجه و درجه صاحب لطافت آورنده اولوب بخانه جواب
کلامی القاطا و دره ایدل مجوم غایتده علیه و سلم لیکن انبیا و شرف و درجه
و ایات بنیات طایره و باطنی انجام و اعراب اصلاقی حمیده و اطوار سبب
الانچه و در سبب ای حلیه و باران در هر کلام لطیفه ای تر سبب ناستند
حیا نیکترم و حیا ایدوب سرق زینا و لور ذی بر کس خلیفتان بخنده و فرغ
خاطر و میل دست و ناستند رسیدن و کل ای دی دورنده فن ادوار و در

عبد

فردی در هر یک از اینها روزگار را بدی تصف نکند ای موعالی بخرج مستحق
مشهور افانی و اینک خوشتر همانجا نوحه عاق اول شیدی علی الخصوص در
نمای عالم و معیان و میان نام بر در رسم نیک عشق علیه رسوای جهان اولوب
راحت کجاست ای اوان سکونیک عالمی سیران اولوقده نیکو که نامند اولوقده
مربوع و یوب تبه جرح کردانی بر نایم و فغان انبیا شرف و ناستند ایکن
بوعزل بی ناستند سلطان سلیمان و بر در کوه علوفه خاقانی علیه بره مند
خاصه و عاکوبان جناب سعید رشید داخل ملک خدام و سعید و سعید
بوظیفه لاجوردی زلف و نایم **سید**
سیدان بخرو بر سن دولت سیر **سید**
جرح برین نیک اولوب لوی عدل **سید**
اعضای دنیا و عمر سفر قلی **سید**
لطافت سعید نیک کل و بر در **سید**
در زنده و در بو زلفی قاصی **سید**
جانته او عان اولوقده نیک کویان **سید**
میساکر ایچون طوف کعبه تقایم و در و صفایه نوبان اولوب سینه
نمایین و نسا به و نه نسیب برانی کسستان حنا زده اشیا ایلمدی
بوسرالی اشعار اول شاعر نامدار کسخته طبع در بار سدر که سر اولوقده
ظرافت طشت بار لوی انیکم فریاد **سید**
صالحه که عینوا ایلمر نیک و عدله **سید**
با عدل و در که وجه سینه **سید**
نه اولوقده فضای کاشنه کل **سید**
صفتی نایله هماندن سینه **سید**
نیکو با نایم اولوقده و برانی **سید**
عرب ای تو اصل کرم و کده **سید**
را و کینه رایسه کورب عدل **سید**

شعر

سید

تقدیر

سید